

دایرة المعارف و

فرهنگ جامع تعبیر خواب

کاملترین کتاب تعبیر خوابی که تا به امروز

در جهان تالیف و منتشر شده است

تحقیق و نگارش:

مؤید طبیعی تهرانی (حساب)

فرهنگ جامع تعبیر خواب

منوچهر مطیعی تهرانی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰ تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

لیکزرانی: کمین قیمت: ۱۳۹۰۰ تومان

ISBN: 964-91649-7-9

شابک: ۹۶۴-۹۱۶۴۹-۷-۱

کتاب حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است



تلفن مراکز پخش: نشر مهر (۰۲۱) ۴۴۷۵۰۲۲-۴۴۷۵۰۲۱ / ۰۲۱ ۴۴۷۵۰۲۲

سرویس کسب و کار: ۰۲۱ ۸۸۷۳۲۱۸-۱

پخش پلایا ۰۲۱ ۵۷۵۵۲۷۶ / ۰۲۱ ۶۶۴۷۴۲۱

پخش خوشخوان ۰۲۱ ۷۱۱۳۱۵ / ۰۲۱ ۶۶۴۱۵۳۳

مطبعی: منوچهر، ۱۳۷۶-۱۳۰۴
فرهنگ جامع تعبیر خواب / نویسنده: منوچهر
مطبعی: تهران: به آفرین، ۱۳۷۹
ص: ۷۶۱

ISBN : 964-91649-7-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. خوابگزاری. الف. عنوان.

۱۳۵/۳ BF ۱۰۹۸/ف ۴۶۵

کتابخانه ملی ایران ۱۲۹۵۴-۷۹م

فهرست

در باره این کتاب.....	۱۵	آسمان.....	۵۰	بادکنک.....	۷۲
مقدمه.....	۱۷	آسیاب.....	۵۱	بادنجان.....	۷۳
		آشتی.....	۵۲	بادگلو.....	۷۳
حرف «آ».....		اطاق.....	۵۲	بادگیر.....	۷۳
آب.....	۲۷	آغوش.....	۵۳	بادزن.....	۷۴
آبادی.....	۲۸	التادن.....	۵۳	بادیه.....	۷۵
ابر.....	۲۹	آفتاب.....	۵۴	بار.....	۷۶
ابرو.....	۳۱	آفتابه.....	۵۵	باران.....	۷۶
ابریشم.....	۳۲	الیون.....	۵۶	بارانی.....	۷۷
آبشار.....	۳۲	آلو.....	۵۶	بارانداز.....	۷۸
آبگینه.....	۳۳	انار.....	۵۶	پاز.....	۷۸
آبله.....	۳۴	انجیر.....	۵۸	بازار.....	۸۰
آبنوس.....	۳۴	اندام.....	۵۸	بازو.....	۸۱
آتش.....	۳۴	انگبین.....	۶۰	بازویند.....	۸۲
آجر.....	۳۷	انگشت.....	۶۱	بازی.....	۸۲
آچار.....	۳۸	انگشتری.....	۶۲	باغ.....	۸۳
آروغ.....	۳۸	انگشتوانه.....	۶۴	بافتن.....	۸۴
اژه.....	۳۹	آوار.....	۶۵	باقلا.....	۸۵
ازدها.....	۳۹	آواز.....	۶۵	بالا رفتن.....	۸۶
اسب.....	۴۰	آویختن.....	۶۶	بالش.....	۸۷
اسباب بازی.....	۴۲	آینه.....	۶۷	بالن.....	۸۹
اسپند.....	۴۲	ایوان.....	۶۸	بالن.....	۹۰
اسپندان.....	۴۲			بام.....	۹۱
آستانه.....	۴۵	حرف «ب».....		بانک.....	۹۱
استخر.....	۴۶	باد.....	۶۹	بانگ.....	۹۲
استخوان.....	۴۷	بادام.....	۷۰	بیر.....	۹۳
استر.....	۴۸	باد رها کردن.....	۷۱	بت.....	۹۴
استوانه.....	۴۹	باطری.....	۷۲	بخشیدن.....	۹۵

۱۴۰	پله	حرف «پ»	۹۶	بخور
۱۴۲	پلک و مزه	پاپیون	۹۶	برج
۱۴۲	پلو	پاچه	۹۷	برف
۱۴۳	پنکه	پادشاه	۹۷	برقی
۱۴۳	پنیر	پارچه	۹۸	برگ
۱۴۴	پوست	پاره	۹۹	برنج
۱۴۵	پوسین	پارو	۹۹	بزه
۱۴۶	پوتین	پاسبان	۱۰۰	برهنگی
۱۴۷	پول	پاشنه	۱۰۰	بز
۱۴۸	پهلو	پالان	۱۰۰	بزاز
۱۴۹	پنبه	پالتو	۱۰۱	بستر
۱۴۹	پنجه	پا	۱۰۲	بلبل
۱۵۰	پیاز	پر	۱۰۳	بلور
۱۵۱	پیاله	پرده	۱۰۳	بلوط
۱۵۱	پیانو	پروانه	۱۰۴	بنا
۱۵۲	پیپ	پرواز	۱۰۶	بنفشه
۱۵۳	پیت	پرتقال	۱۰۶	بوتیمار
۱۵۳	پینه دوز	پرپهن	۱۰۷	بویار
۱۵۴	پیری	پری	۱۰۷	بوزینه
۱۵۵	پیراهن	پرستو	۱۰۸	بوسه
۱۵۶	پیغمبران	پرنده	۱۰۹	بوق زدن
۱۵۷	پیشی	پریدن	۱۰۹	بول
۱۵۸	پیشانی	پست	۱۱۰	بوف
۱۵۸	پیش بند	پستان	۱۱۰	به
۱۵۹	پیمانه	پستان بند	۱۱۱	بهار
		پسته	۱۱۲	بهشت
	حرف «ت»	پشت	۱۱۲	بیابان
۱۶۱	تاب	پشتی	۱۱۴	بید (درخت)
۱۶۲	تابستان	پشم	۱۱۴	بید (حشره)
۱۶۲	تابوت	پشه	۱۱۵	بیل
۱۶۳	تابه	پل	۱۱۵	بیماری
۱۶۴	تاج	پلنگ	۱۱۶	بینی

۲۱۳	جامه	۱۸۹	تفنگ	۱۶۴	تار
۲۱۵	جانماز	۱۸۹	تقویم	۱۶۵	تاراج
۲۱۵	جانور	۱۹۰	تکمه	۱۶۶	تاریکی
۲۱۷	جبین	۱۹۱	تگرگ	۱۶۷	تازیانه
۲۱۷	جت	۱۹۲	تلکس و تلگرام	۱۶۸	تاک
۲۱۷	جدال	۱۹۲	تلفن	۱۶۹	تاوه
۲۱۸	جرز	۱۹۳	تلویزیون	۱۷۰	تایپ
۲۱۹	جزقه	۱۹۴	تمشک	۱۷۰	تب
۲۱۹	جریمه	۱۹۵	تن	۱۷۱	تبر
۲۲۰	جسد	۱۹۶	توپره	۱۷۲	تپه
۲۲۰	جستن	۱۹۷	توت	۱۷۲	تخت
۲۲۰	جفد	۱۹۸	توپ	۱۷۳	تختخواب
۲۲۰	جفجفه	۱۹۹	تنور	۱۷۴	تخمه
۲۲۱	جفت	۲۰۱	تندیس	۱۷۵	تسیح
۲۲۲	جک	۲۰۱	تونون	۱۷۶	تشت
۲۲۳	جگر	۲۰۲	تون	۱۷۶	تشنگی
۲۲۴	جلاد	۲۰۳	تونل	۱۷۸	ترازو
۲۲۴	جلگه	۲۰۳	تیر	۱۷۹	تراس
۲۲۵	جماع	۲۰۴	ته چین	۱۷۹	ترب
۲۲۵	جنین	۲۰۴	ته دیگ	۱۸۰	تریچه
۲۲۶	جنین	۲۰۵	تهمت	۱۸۰	ترخون
۲۲۷	جنازه			۱۸۱	ترس
۲۲۹	جنگ		حرف و ج	۱۸۱	توشی
۲۳۰	جو	۲۰۷	جاجیم	۱۸۲	ترون
۲۳۱	جواز	۲۰۸	جادو	۱۸۳	ترنج
۲۳۲	جوال	۲۰۸	جاده	۱۸۴	ترنگبین
۲۳۳	جوالدوز	۲۰۹	جارختی	۱۸۴	ترمه
۲۳۴	جوان	۲۱۰	جارو	۱۸۵	ترمز
۲۳۵	جوجه	۲۱۱	جاز	۱۸۵	توره
۲۳۶	جوراب	۲۱۲	جاسبگاری	۱۸۶	تویاک
۲۳۷	جوی	۲۱۲	جالیز	۱۸۷	تریون
۲۳۸	جهیز	۲۱۳	جام	۱۸۸	تغار

۲۹۹	حاجی لک لک	۲۶۹	چفت	۲۳۹	جہنم
۳۰۰	حاملہ	۲۷۱	چکش	۲۴۰	جیب
۳۰۰	حب	۲۷۲	چکمہ	۲۴۱	جیب
۳۰۱	حباب	۲۷۳	چکہ	۲۴۱	جیرجیرک
۳۰۲	حجامت	۲۷۴	چلچلہ	۲۴۲	جینغ
۳۰۳	حسابدار	۲۷۴	چلاق		
۳۰۴	حشرہ	۲۷۵	چلوار		حرف دہ
۳۰۴	حصیر	۲۷۶	چلچراغ	۲۴۳	چاپ
۳۰۵	حلاج	۲۷۷	چلو	۲۴۴	چادر
۳۰۶	حنا	۲۷۸	چماق	۲۴۵	چارقد
۳۰۷	حلوا	۲۷۹	چمباتمہ	۲۴۶	چاق
۳۰۷	حوری	۲۸۰	چمدان	۲۴۷	چاقچور
۳۰۷	حیض	۲۸۲	چمن	۲۴۸	چاقو
	حرف دہ	۲۸۳	چنار	۲۴۸	چالہ
		۲۸۴	چنبرہ	۲۵۰	چانہ
۳۰۹	خار	۲۸۵	چنگال	۲۵۱	چاہ
۳۱۰	خاریشت	۲۸۶	چنگک	۲۵۲	چای
۳۱۱	خارش	۲۸۷	چوب	۲۵۳	چپاول
۳۱۱	خاشاک	۲۸۸	چوب پنبہ	۲۵۳	چُتق
۳۱۲	خاک	۲۸۹	چوب کبریت	۲۵۴	چتر
۳۱۳	خاکستر	۲۹۰	چوبک	۲۵۵	چراغ
۳۱۴	خاویار	۲۹۰	چوپان	۲۵۶	چرک
۳۱۵	خامہ	۲۹۱	چوگان	۲۵۸	چرنکہ
۳۱۵	خانہ	۲۹۲	چهارپا	۲۵۸	چرخ
۳۱۶	خمر	۲۹۳	چیت	۲۶۰	چروک
۳۱۸	خرابہ	۲۹۴	چینہ	۲۶۲	چرخشت
۳۱۹	خربزہ	۲۹۴	چینہ دان	۲۶۲	چرم
۳۲۰	خرچنگ	۲۹۵	چین و پلیسہ	۲۶۳	چسب
۳۲۱	خردل			۲۶۴	چغندر
۳۲۲	خرزمرہ		حرف دہ	۲۶۵	چشم
۳۲۳	خرک	۲۹۷	حاجی	۲۶۷	چشمہ
۳۲۴	خرمس	۲۹۷	حاجی فیروز	۲۶۹	چغالہ

۳۷۳	ده	۳۵۳	دریان	۳۲۵	خرگوش
۳۷۳	دهان	۳۵۴	درخت	۳۲۶	خرما
۳۷۴	دیگ	۳۵۵	درویش	۳۲۸	خرمن
۳۷۴	دیوار	۳۵۵	درفش	۳۲۹	خرمهره
۳۷۵	دیوانه	۳۵۵	درگاه	۳۳۰	خرید
۳۷۶	دید	۳۵۵	درشکه	۳۳۰	خز
		۳۵۶	دریا	۳۳۱	خروس
	حرف وره	۳۵۷	دزد	۳۳۲	خیزان
۳۷۷	رادار	۳۵۷	دژخیم	۳۳۳	خشت
۳۷۸	رادیو	۳۵۸	دست	۳۳۴	خظمی
۳۷۸	رازیانه	۳۵۹	دستبند	۳۳۵	خفاش
۳۷۹	راسو	۳۵۹	دستکش	۳۳۶	خلال
۳۸۰	ران	۳۶۰	دستمال	۳۳۷	خمیر
۳۸۰	راه	۳۶۱	دشنه	۳۳۸	خنجر
۳۸۰	رَب	۳۶۱	دُشمن	۳۳۹	خنده
۳۸۱	رز	۳۶۱	دعوا	۳۴۰	خوی
۳۸۲	رسن	۳۶۲	دعوت	۳۴۰	خوشه
۳۸۲	رشته	۳۶۲	دکتر	۳۴۱	خوک
۳۸۳	رف	۳۶۳	دکور	۳۴۲	خون
۳۸۴	رفنگر	۳۶۳	دلقین	۳۴۳	خیار
۳۸۴	رفو	۳۶۴	دلمه	۳۴۴	خیک
۳۸۵	رقص	۳۶۵	دلیجان	۳۴۴	خیمه
۳۸۶	رنگ	۳۶۶	دم پایی		
۳۸۶	رنده	۳۶۶	دَمَل		حرف ده
۳۸۷	روپاه	۳۶۷	دنبه	۳۴۷	دار
۳۸۸	روبنده	۳۶۸	دندان	۳۴۷	دارو
۳۸۹	رویان	۳۶۹	دوات	۳۴۹	دارچین
۳۹۰	رود	۳۷۰	دود	۳۴۹	داس
۳۹۰	روده	۳۷۰	دوختن	۳۵۰	دام
۳۹۱	روز	۳۷۱	دوچرخه	۳۵۰	دانه
۳۹۲	روزن	۳۷۲	دوربین	۳۵۲	دختر
۳۹۳	روژ	۳۷۲	دودکش	۳۵۲	در

روغن	۳۹۴	زری	۴۱۹	سرمه	۴۴۶
رولت	۳۹۵	زنداد	۴۲۰	سرنگ	۴۴۷
رمال	۳۹۵	زوزه	۴۲۱	سرو	۴۴۸
رمان	۳۹۶	زولیا	۴۲۲	سن	۴۴۹
ریحان	۳۹۶	زهر	۴۲۳	شوار	۴۴۹
ریش	۳۹۷	زیتون	۴۲۴	سطل	۴۵۰
ریمل	۳۹۸	زیره	۴۲۵	سفر	۴۵۱
رینگ	۳۹۹	زیلو	۴۲۵	سفره	۴۵۲
ریگ	۳۹۹	زین	۴۲۶	سقز	۴۵۳
حرف دز		حرف دس		سقف	۴۵۴
زاغ	۴۰۱	سار	۴۲۷	سکه	۴۵۵
زالو	۴۰۲	ساردین	۴۲۸	سکنجبین	۴۵۶
زاتو	۴۰۳	ساقور	۴۲۹	سگ	۴۵۷
زیان	۴۰۴	ساختمان	۴۳۰	سماق	۴۵۹
زخم	۴۰۵	ساعت	۴۳۰	سمنو	۴۵۹
زرافه	۴۰۶	ساحه	۴۳۱	سمور	۴۶۰
زردآلو	۴۰۷	ساق	۴۳۲	سنبلی	۴۶۱
زردچوبه	۴۰۷	سالک	۴۳۳	سنبجاب	۴۶۱
زرشک	۴۰۸	سایه	۴۳۵	سنگ	۴۶۲
زهفران	۴۰۸	ساک	۴۳۷	سنجاب	۴۶۲
زکام	۴۰۹	سالاد	۴۳۸	سندان	۴۶۳
زلزله	۴۱۰	سایبان	۴۳۹	سنگ	۴۶۴
زمستان	۴۱۱	سبزه	۴۳۹	سوت	۴۶۵
زمین	۴۱۲	سبو	۴۴۰	سورخ	۴۶۷
زن	۴۱۴	سبوس	۴۴۱	سوزن	۴۶۸
زنبور	۴۱۵	سبیل	۴۴۲	سوسک	۴۶۹
زنبیل	۴۱۶	سپر	۴۴۳	سوسمار	۴۶۹
زنبیق	۴۱۷	ستاره	۴۴۴	سوسن	۴۷۰
زنجبیل	۴۱۸	سجاده	۴۴۵	سوهان	۴۷۱
زنجیر	۴۱۸	سرکه	۴۴۵	سهره	۴۷۲
زراعت	۴۱۹	سرداب	۴۴۶	سه تار	۴۷۳
				سیب	۴۷۳

سیر	۲۷۵	شکار	۵۰۲	صندوق	۵۲۸
سیرایی	۲۷۶	شکر	۵۰۳	صنوبر	۵۲۸
سیرک	۲۷۶	شکلات	۵۰۴	صورت	۵۲۹
سیگار	۲۷۸	شکنجه	۵۰۴		
سیل	۲۷۸	شکنجه	۵۰۵	حرف «ط»	
سینه	۲۷۹	شکوله	۵۰۶	طاووس	۵۳۱
سینی	۲۸۰	شلفم	۵۰۶	طبق	۵۳۱
سینما	۲۸۱	شلوار	۵۰۷	طبل	۵۳۲
سیمان	۲۸۲	شمه	۵۰۸	طشت	۵۳۳
سیمرغ	۲۸۲	شمشاد	۵۰۸	طلا	۵۳۴
		شمشیر	۵۰۹	طلاق	۵۳۵
حرف «ش»		شمع	۵۱۱	طلبکار	۵۳۶
شاخ	۲۸۵	شمعدان	۵۱۳	طلق	۵۳۶
شاخه	۲۸۶	شن	۵۱۵	طلسم	۵۳۷
شاسی	۲۸۷	شنبلیله	۵۱۶	طناب	۵۳۸
شال	۲۸۸	شوربا	۵۱۶	طوطی	۵۳۹
شانه	۲۸۹	شهباز	۵۱۷	طوق	۵۴۰
شاهدانه	۲۸۹	شهد	۵۱۷	طیاره	۵۴۱
شاهین	۲۹۰	شیشه	۵۱۸		
شب	۲۹۱	شیر (حیوان)	۵۱۹	حرف «ع»	
شیدر	۲۹۲	شیر (خوردنی)	۵۲۰	شاج	۵۴۳
شب‌بو	۲۹۳	شیر آب	۵۲۱	شاهد	۵۴۴
شپش	۲۹۳	شیرخشت	۵۲۲	شاهدت	۵۴۴
شته	۲۹۴	شیطان	۵۲۲	شبا	۵۴۵
شتر	۲۹۵			صور	۵۴۶
شترمرغ	۲۹۶	حرف «ص»		عصص	۵۴۷
شخم	۲۹۷	صابون	۵۲۳	عرش	۵۴۸
شراب	۲۹۸	صاعقه	۵۲۳	عرعر	۵۴۸
شریت	۲۹۹	صبح	۵۲۴	عروسی	۵۴۹
شفتالو	۲۹۹	صالی	۵۲۵	عرق	۵۵۰
شقایق	۵۰۰	صفحه	۵۲۶	عسل	۵۵۱
شقیقه	۵۰۱	صندلی	۵۲۶	عشق	۵۵۱

عصا	۵۵۲	حرف الف،	فینچ	۶۰۵
عطر	۵۵۳	لاستونی		۵۷۷
عطّار	۵۵۴	فاضلاب	حرف اق،	۵۷۸
عطسه	۵۵۵	فال	قاب	۶۰۷
عقیق	۵۵۶	فالوده	قابلمہ	۶۰۸
علف	۵۵۶	فانوس	قابله	۶۰۹
عمارت	۵۵۷	فتق	قارچ	۶۱۰
عناپ	۵۵۷	فتیلہ	قالی	۶۱۲
عنبر	۵۵۸	فر (مو)	قبر	۶۱۳
عنقا	۵۵۸	فر (آشپزخانہ)	قرآن	۶۱۵
عتتر	۵۵۹	فراش	قربانی	۶۱۶
عنکبوت	۵۶۰	فرش	قرقاوول	۶۱۷
عود	۵۶۱	فرشتہ	قرقرہ	۶۱۸
عید	۵۶۲	فرجہ	قریہ	۶۱۹
عینک	۵۶۲	فرلہ	قصاب	۶۱۹
		فرعون	قصر	۶۲۰
حرف وء،		فرغان	قفس	۶۲۱
غار	۵۶۵	فروش	قفل	۶۲۳
غارت	۵۶۶	فرنی	قلعہ	۶۲۴
غایط	۵۶۷	فضلہ	قلم	۶۲۴
غبار	۵۶۸	فلفل	قطار	۶۲۵
غذا	۵۶۹	فنجان	قلیان	۶۲۶
غرابہ	۵۷۱	فنجان	قنات	۶۲۷
غریبال	۵۷۱	فندک	قناد	۶۲۸
غزال	۵۷۲	فندق	قناری	۶۲۹
غسل	۵۷۳	فتر	قند	۶۳۰
غلمان	۵۷۴	فیروزہ	قوز	۶۳۱
غمباد	۵۷۴	فیل	قوج	۶۳۲
غورہ	۵۷۵	فیلہ	قوریاضہ	۶۳۳
غول	۵۷۶	فین	قوری	۶۳۴

۶۸۷	گج	۶۶۱	کرکس	۶۳۶	فورمه (گوشت)
۶۸۹	گدا	۶۶۲	کروکدیل	۶۳۷	قمار
۶۹۰	گرامافون	۶۶۲	کرم	۶۳۷	قماش
۶۹۰	گریه	۶۶۳	کریستال	۶۳۸	قمقمه
۶۹۱	گردباد	۶۶۴	کشتی	۶۳۹	قمری
۶۹۳	گردو	۶۶۵	کشک	۶۴۰	قیچی
۶۹۳	گریه	۶۶۵	کفتار	۶۴۱	قیر
۶۹۴	گز	۶۶۷	کفش		
۶۹۵	گشنیز	۶۶۸	کفگیر		حرف دی
۶۹۵	گل	۶۶۸	کلاغ	۶۴۳	کابل
۶۹۶	گل	۶۷۰	کلاه	۶۴۳	کابین
۶۹۷	گلاب	۶۷۱	کلوچه	۶۴۴	کاج
۶۹۷	گلایی	۶۷۲	کلید	۶۴۵	کاخ
۶۹۸	گلو	۶۷۳	کمربند	۶۴۵	کارت
۶۹۹	گلویند	۶۷۴	کنجد	۶۴۶	کاریز
۷۰۰	گلیم	۶۷۴	کندو	۶۴۶	کاشی
۷۰۰	گنبد	۶۷۵	کنگر	۶۴۷	کالباس
۷۰۰	گندم	۶۷۶	کوزه	۶۴۸	کامیون
۷۰۱	گنجشک	۶۷۶	کوه	۶۴۹	کاه گل
۷۰۲	گنجه	۶۷۷	کوسه	۶۵۰	کاهو
۷۰۲	گوچه	۶۷۸	کوکو	۶۵۰	کباب
۷۰۳	گور (قبر)	۶۷۸	کوچه	۶۵۱	کباده
۷۰۳	گورخر	۶۷۹	کوکب	۶۵۲	کبک
۷۰۴	گوریل	۶۷۹	کوفته	۶۵۳	کیونر
۷۰۵	گوساله	۶۷۹	کیسه	۶۵۴	کتاب
۷۰۶	گوسفند	۶۸۱	کیف	۶۵۵	کتان
۷۰۷	گوش			۶۵۶	کدو
۷۰۸	گوشت		حرف دی	۶۵۷	کر (ناشنا)
۷۰۹	گوشواره	۶۸۳	گاری	۶۵۹	کروات
۷۱۰	گونی	۶۸۴	گاراژ	۶۵۹	کریاس
۷۱۱	گوهر	۶۸۵	گالش	۶۶۰	کرفس
۷۱۲	گهواره	۶۸۶	گاو	۶۶۰	کرکره

۷۲۸	نخود	۷۳۲	مرغابی	۷۱۳	گینار
۷۲۹	نردبان	۷۳۳	مروارید	۷۱۳	گیسو
۷۵۰	نرگس	۷۳۴	مژگان	۷۱۴	گیلاس
۷۵۰	نترن	۷۳۵	مس		
۷۵۱	نشاستہ	۷۳۶	مسجد		حرف دہ
۷۵۱	نعل	۷۳۷	مسواک	۷۱۷	لاہراتوار
۷۵۲	نقرہ	۷۳۷	مگس	۷۱۷	لاجورد
۷۵۲	نمد	۷۳۸	ملخ	۷۱۸	لاستیک
		۷۳۹	مورچہ	۷۱۹	لاک پشت
	حرف و،	۷۳۹	موش	۷۲۰	لالہ
۷۵۴	وان	۷۴۰	موم	۷۲۰	لالہ عباسی
۷۵۵	وانت	۷۴۰	میمون	۷۲۱	لامپ
۷۵۵	وزخ	۷۴۰	میوہ	۷۲۲	لب
۷۵۵	وضو			۷۲۳	لباس
۷۵۶	ویرانی		حرف دہ	۷۲۴	لحاف
		۷۴۱	نابینائی	۷۲۴	لواشک
	حرف دہ	۷۴۱	نارگیل	۷۲۵	لویا
۷۵۷	ہاون	۷۴۲	نارنج	۷۲۵	لیمو
۷۵۷	ہیزم	۷۴۳	ناف	۷۲۶	لیوان
		۷۴۳	ناقوس		
	حرف ای،	۷۴۴	نامہ		حرف دہ
۷۵۹	یاسمین	۷۴۵	نان	۷۲۷	مار
۷۶۰	یاقوت	۷۴۶	ناودان	۷۲۸	ماہی
۷۶۰	یخ	۷۴۷	نبات	۷۲۹	مجسمہ
۷۶۱	یشم	۷۴۸	نبحار	۷۲۹	مرجان
۷۶۱	یوز	۷۴۸	نخ	۷۳۰	مردہ

درباره این کتاب

خوابنامه‌ای که در دست دارید، محصول هشت سال کار شبانه‌روزی من است. قریب دوازده سال قبل چون اطرافیان و دوستان و آشنایان زیاد مراجعه می‌کردند و تعبیر خوابهای دیده شده و خویش و دیگران را می‌خواستند، این فکر در من پیدا شد که خوابنامه‌ای بنویسم تا نیازمندان به آن مراجعه کنند. برای این به تحقیق و بررسی و مطالعه پرداختم. مقدمتاً خوابنامه‌هایی را که به زبان فارسی وجود دارد، مورد مطالعه قرار دادم. این خوابنامه‌ها زیاد و متنوع نیستند و آنچه هم که هست، نه کافی است و نه دقیق.

بعد از چندی به مطالعه و تحقیق روی خوابنامه‌های خارجی مشغول شدم. در خوابنامه‌هایی که غالباً بر مبنای نظریات و عقاید فروید نوشته شده، بیشتر به مسایلی عنایت شده که برای ما مطرح نیستند و اگر هم مطرح باشند، بعلت اختلاف فرهنگ و مذهب و آداب و سنن زوایای دید ما با - یگانگان مخصوصاً غربی‌ها - متفاوت است. معهداً برای تنظیم و تألیف خوابنامه‌ای جامع و کامل نه می‌توانستم به خوابنامه‌های خودمان بهایی اندک بدهم و نه حق داشتم عقاید و نظریات معبران غربی را نادیده بگیرم؛ لذا مصمم شدم همه دریافته‌ها را از صافی عقیدتی خویش که مبتنی بر تجربه چهل ساله بود، بگذراتم و در نتیجه ناب‌ترین و سربه‌ترین تعبیر را روی کاغذ بیاورم.

در تابستان سال پنجاه و نه دست به کار شدم و به تنظیم فیش‌ها و نوشتن متن پرداختم. کار نزدیک به اتمام بود که بیمار و بستری شدم. با اینکه قرارداد انتشار نوشته و امضاء شده بود، نتوانستم متن را به موقع به ناشر تحویل دهم. هم ناشر زیان دیده بود و هم من که بیمار بودم، بار شرمندگی را می‌کشیدم.

هنوز کاملاً بهبود نیافته و دوره نقاهت را می‌گذرانیدم که برای تخفیف دوره تعلیق تصمیم به اتمام کار گرفتم. کار سنگینی بود و من نیز توان جسمی کافی نداشتم. متأسفانه همه عوامل نامساعد موجب گردید که متن کتاب بنحو دلخواه تنظیم نگردد و تعداد زیادی از کلمات به سهو و براساس تعجیل مه‌دور قرار گیرند و از قلم بیفتند.

با وجود نواقص ذکر شده متن قبلی در دو نوبت چاپ و منتشر گردید، ولی خود من از متن منتشره راضی و خشنود نبودم.

لذا تصمیم به بازنویسی گرفته و بیش از یکسالی صرف وقت نمودم و در این فاصله از مؤسسه انتشارات مذکور درخواست کردم که انتشار متن جدید را عهده‌دار گردند. این درخواست مورد قبول واقع شد و قرارداد نشر منعقد گردید. مسئولین مؤسسه یاد شده با وجود سرمایه‌گذاری، فرصت کافی دادند که کار را بنحو مطلوب به اتمام برسانم. اینک کار انجام شده. من از کلمه آب شروع و روی تعبیر تمام کلمات در حد ممکن کار کرده‌ام و تصور می‌کنم کاری بی‌نقص فراهم شده باشد. امیدوارم مورد پسند شما خوانندگان گرامی قرار گرفته و از آن بهره‌دلخواه را بگیرید، ولی اگر باز هم نقصی در متن یافتید و شرحی را غیرکافی دانستید و یا کلمه‌ای را از قلم افتاده دیدید، از طریق ناشر با من مکاتبه نمایید. قبلاً از محبت و همراهی شما تشکر می‌کنم.

من الله التوفیق و علیه التکلان

منوچهر مطیعی تهرانی

مقدمه

خواب چیست؟ چگونه می‌خواهیم و چطور خواب می‌بینیم؟ این از مجهولاتی است که بشر برای آن پاسخی نیافته است. انسان در جریان زندگی خویش با بسیاری از مجهولات روبرو است. خواب یکی از آنهاست که ذهن متفکران را به‌خود مشغول داشته است.

تحقیقات فرید درباره خواب بسیار اندک است، ولی از جمع نوشته‌های فرید چیزی درباره اینکه «چطور می‌شود تا می‌خواهیم؟» و «چگونه خواب می‌بینیم؟» و اینکه اصولاً «خواب چیست؟» حاصل نمی‌شود، زیرا او درباره کابوس‌ها و رویاها و علل و ریشه‌یابی خوابها تحقیق کرده، نه در مورد نفس خواب....

من از کودکی و نوجوانی نسبت به چند مسئله کنجکاو و جستجوگر بودم؛ یکی در مورد روح و دیگری خواب. مادر بزرگی داشتم که به‌طور سنتی تعبیر خواب می‌کرد و چیزهایی در این مورد می‌دانست که از طریق گوش آموخته بود. پیشینیان گفته بودند که دیدن شتر در خواب چه تعبیری دارد، او یاد گرفته بود و ذوق و شعور خویش را نیز تا حدودی در این امر دخالت می‌داد. وقتی خواب در و همسایه را تعبیر می‌کرد، من می‌نشستم و با علاقه گوش فرا می‌دادم و بعد هم یادداشت می‌کردم. اما او هم نمی‌توانست به من بگوید خواب چیست و چطور می‌شود که می‌خواهیم و خواب می‌بینیم و گاه این خوابها در زندگی روزمره ما تصاویری از واقعیت را نشان می‌دهند.

در جوانی بر مبنای علاقه و سابقه ذهنی بیشتر مطالعه کردم و هر جا کتابی در این زمینه یافتم، خواندم. ولی باز هم دست خالی ماندم، چون هیچ محققى برای این سؤال جواب درستی نیافته بود. ضمن تمام بررسیهایی که کردم، یک تعریف را از خواب و خواب دیدن بیشتر پسندیدم که در اینجا مختصر اشاره‌ای می‌کنم تا اگر علاقمند بودید، خودتان بروید و بیشتر مطالعه و تحقیق کنید. تعریفی که هندوها از خواب می‌کنند بیشتر به دل می‌نشیند، بخصوص یوگی‌ها. یوگی‌ها که ما آنها را در زبان خودمان «جوگی» می‌نامیم و ورزش یوگا هم از همین ریشه است، می‌گویند انسان برخلاف آنچه نوشته‌اند و گفته‌اند پنج حس ندارد، بلکه شش حس دارد. ششمین حس بشر حافظه و ذهن اوست. حافظه و ذهن یا ضمیر که فرنگیها آنرا Conscience می‌نامند، بر حواس پنجگانه بشر برتری حاکمانه دارد؛ به این صورت که پنج حس دیگر برای او کار می‌کنند و نتیجه کار خویش را به ذهن فرمانده و آمر می‌دهند. حس ششم نیز متقابلاً موظف به کنترل و تدبیر و حسن کار حواس پنجگانه است.

خواب وقتی است که ارتباط حواس پنجگانه با ذهن قطع می‌شود. این نیاز کاملاً طبیعی است که باید به‌طور متناوب انجام پذیرد. قطع رابطه حواس پنجگانه با ذهن همان خواب است، زیرا قطع رابطه پنجگانه با Memoire در هیچ یک از شرایط دیگر ممکن نمی‌گردد. در این موقع ذهن مانند دایه مهریانی که فرزندان خویش را خوابانیده باشد، احساس آزادی می‌کند و به فعالیت می‌پردازد؛ معجزه این دایه مهربان زیاد از بچه‌های آرمیده‌اش دور نمی‌شود.

در جریان قطع رابطه حواس با ذهن، ذهن به فعالیت خویش ادامه می‌دهد. به گذشته برمی‌گردد و به آینده هم می‌رود و آزادانه جستجو و کاوش می‌کند. در این موقع است که ما خواب می‌بینیم، یعنی فعالیت‌های ذهنی خویش را منهای ارتباط با حواس پنجگانه دریافت می‌داریم.

همه شب این حادثه اتفاق می‌افتد و ما خواب می‌بینیم، ولی اگر صبح به یاد نمی‌آوریم (خیال می‌کنیم که خواب ندیده‌ایم) نقص قدرت ذاکره ما است. ذهن کار خود را کرده، فقط ذاکره ما بامداد روز بعد آنچه را که از ذهن دریافت داشته، گم کرده است. این یک رابطه اختصاصی است بین ذهن و خاطره و یاد.

ذهن هنگام آزادی از قید حواس پنجگانه در بازگشت به عقب آزاد است و تا سالها می‌تواند به گذشته رجعت کند. در این موقع ما افرادی را در خواب می‌بینیم که بیست یا سی سال پیش مرده و رفته‌اند، اما ذهن در رفتن به آینده و جلو، آزادی ندارد. حداکثر تا ده روز پیش می‌رود. از چند ساعت تا ده روز.

این تعریفی است که از خواب شده و اگرچه راضی کننده نیست، لیکن از تعاریف دیگر بیشتر به دل می‌نشیند. اینک خواب و تعبیر خواب را بررسی می‌کنیم، یعنی چیزی که در این کتاب مطرح است.

فروید می‌گوید: «عوامل تشکیل دهنده زندگی ما در خواب به‌صورت سمبول‌هایی ظاهر می‌شوند». تعریف پیشینیان نیز تقریباً همین است بی‌آنکه، این صراحت را داشته باشد. گذشته و آینده ما «همان ده روز» در چیزهایی شکل و فرم می‌گیرند که می‌شناسیم. ذهن با بهره‌جویی از این نشانه‌ها می‌خواهد نکاتی را به یاد ما بیاورد و از آنچه که باید اتفاق بیفتد، آگاهی بدهد. ذهن این تذکر و آگاهی و هشدار را در علائم و نشانه‌ها و سمبول‌هایی که به ما می‌نمایاند، جان می‌بخشد. در نتیجه خوابی می‌بینیم و صبح به دنبال تعبیر و یافتن کلید فهم آن می‌گردیم.

در مورد تعبیر خواب خیلی گفته و نوشته شده. بشر همیشه خواب دیده و چون این را به تجربه دریافته که خواب‌هایش با زندگی نمی‌توانند بی‌ارتباط باشند، همیشه درصدد یافتن کلیدی بوده که بتواند این در بسته را به روی او بگشاید و چراغی فرا راهش بگیرد که مجهولات را ببیند و بشناسد و تشخیص دهد. گشودن این در و روشن کردن تاریکی‌ها علم تعبیر خواب است.

بهترین معبران انبیاء و پیامبران بوده‌اند. از حضرت ابراهیم نوشته‌اند که معبر خوبی بوده. یعقوب پیامبر چنان معبر آگاه و دانایی بوده که به مصداق آیه شریفه وقتی یوسف به

او می‌گوید «انی رایث عشر کوکبا والشمس والقمر رایتهم لی ساجدین» به او می‌گوید این خواب را برای دیگران باز مگو که برادرانت به نابودی تو همت خواهند گماشت و آن شد که نوشته‌اند و خوانده‌اید.

خود حضرت یوسف نیز معبری مسلط بود. وقتی فرعون خواب می‌بیند و برای او تعریف می‌کند، یوسف اطلاع می‌دهد که هفت سال قحطی پیش خواهد آمد و همین تعبیر او را به عزت می‌رساند و باز خوانده‌ایم که در زندان فرعون یوسف خواب آن دو مرد زندانی را چگونه تعبیر کرد. اولیاء و معصومین نیز علم تعبیر داشتند، به خصوص از امام جعفر صادق علیه‌السلام تأویلات و تعبیرات فراوان نقل شده که در کتب مربوط ضبط است. مردم عادی نیز کم و بیش با این فن ظریف آشنایی داشتند و خوابها را تعبیر می‌کردند و این صرفاً مبتنی بر تجربه بود.

در کتابی که در دست دارید و من با زحمات چندین ساله تألیف و گردآوری کرده‌ام، چکیده عقاید و نظریات معبران معروف اسلامی نوشته شده است. هر جا مطلبی نقل شده، از گوینده آن نام برده‌ام که می‌خوانید... اما در این کتاب تجربه‌های شخصی خودم نیز هست.

من به این علم از نوجوانی علاقه داشتم و به دنبال آن بودم. از دیگران، البته آنها که آگاه بودند، آنچه می‌شنیدم را یادداشت می‌کردم. بعد عقاید مشابه را تطبیق می‌دادم و مقابله به عمل می‌آوردم.

تقریباً سی و پنج سال قبل با یک خانم یونانی بنام «آتیانوس» آشنا شدم. او مادرزن یک مهندس ایرانی بود. این آقای مهندس در ترکیه تحصیل کرده و در همانجا با یک دختر یونانی ازدواج نموده و همراه زن و فرزندانش به ایران آمده بود. خانم «آتیانوس» مادرزن مهندس سالی سه یا چهار ماه به ایران می‌آمد که دختر و نوه‌هایش را ببیند. او علم تعبیر می‌دانست و من وقتی شنیدم این خانم با علم تعبیر آشناست، به سراغش رفتم و با هم آشنا شدیم. در آن تاریخ من جوان بیست و پنج ساله‌ای بودم و او پنجاه سال داشت. فارسی را بهتر از دخترش می‌دانست، معهداً شکسته به حرف می‌زد و به زحمت منظور خویش را تفهیم می‌کرد. من از او خیلی چیزها آموختم و به عنوان تشکر و سپاس، هر جا از نظرات او سود برده‌ام، نامش را ذکر کرده‌ام. خدا او را بیامرزد.

با ذکر این مقدمات اینک به سراغ تعبیر خواب می‌رویم و اینکه خواب را باید چگونه تعبیر کرد؟ چه خوابهایی تعبیر دارد و کدام خوابها فاقد اصل و ریشه هستند؟ چه ساعاتی از شب و چه شب‌هایی از ماه خواب ما تعبیر دارد و چه ساعات و شب‌هایی تعبیر ندارد؟ اسم نمی‌برم، ولی لازم است قصه‌ای را برای شما نقل کنم. یک روز مردی چهل ساله به دوستی که با علم تعبیر خواب آشنایی داشت، مراجعه کرد و از او خواست خواب وحشتناکی را که دیده، برای او تعبیر کند. بیننده خواب تعریف کرد و گفت:

«در خواب دیدم که چند نفر مرد قوی‌هیکل مرا گرفته‌اند و شکنجه می‌دهند. بعد مرا با یک طناب به نیمکت بستند و شلاق زدند. عجیب این بود که مرحوم مادرم از آنجا عبور می‌کرد، ولی نسبت به من بی‌اعتنا بود. به مادرم التماس کردم و فریاد کشیدم و گفتم

مادر به اینها بگو مرا شلاق زنند و اصلاً پیرس چه گناهی مرتکب شده‌ام که باید شکنجه شوم. اما او، یعنی مادرم بی‌توجه به من از سالن خارج شد و رفت و در این حال من از شدت گریه و فریاد بیدار شدم. همسرم بر بالینم نشسته بود و متوحشانه می‌پرسید چرا در خواب تقلا می‌کردی و ناله و گریه سر داده بودی؟»

معبّر از او پرسید:

«آیا قبلاً چنین خوابهایی دیده بودی؟»

او پاسخ داد:

«فقط یکبار. آن شبی بود که خوابیدم و در خواب دیدم وارد خانهٔ مادر و پدرم شدم. دیدم مادرم نیست. از پدرم پرسیدم او کجاست؟ جواب مرا نداد. برای یافتن او به سراغش رفتم. وارد اتاق مخصوص وی شدم. آنجا هم نبود. وقتی خواستم خارج شوم، دیدم در اتاق به رویم بسته است. هر چه تلاش کردم، در باز نشد و در همین موقع اتاق آتش گرفت و آتش به لباس و دست و پای من رسید که از شدت ترس بیدار شدم و آن دفعه هم زخم پرسید چه شده بود که در خواب ناله می‌کردی؟»

معبّر پرسید:

«حالا دنبال چه هستی؟»

او اظهار داشت:

«می‌خواهم بدانم معنی شلاق خوردن در خواب چیست؟»

معبّر خطاب به او گفت:

«شلاق و آتش در خوابهای تو هیچ نقش و اثری ندارد. محور اصلی خوابهای تو که باز هم ممکن است از انواع آن ببینی، مادر تو است. تو - ناخودآگاه - از چیزی رنج می‌بری که آن چیز به مادرت بر می‌گردد. این خوابها تصاویری هستند از رنج‌هایی که ضمیر ناخودآگاه تو تحمل می‌کند. وجدان تو مجروح و متألم است و می‌خواهی خودت را شکنجه دهی، تا از عذاب وجدان برهی و نمی‌توانی - حالا فکر کن و ریشهٔ این رنج را پیدا کن تا آسوده شوی...»

آن مرد رفت؛ چند روز بعد بازگشت و گفت:

«ریشه را یافتم. حقیقت این است که قریب پانزده سال پیش یک روز در خانهٔ پدر و مادرم بین من و برادرم دعوا شد. رودروای هم ایستادیم. مادرم آمد که میان ما را بگیرد. بین من و او ایستاد، اما در این حال برادرم از پشت مادرم دستش را دراز کرد و یک سیلی به من زد. من عصبی شدم و به طرف او حمله بردم و چون مادرم مانع بود، او را با خشم به سویی پرت کردم. مادرم به دیوار خورد و افتاد. کمتر از یک دقیقه یا بیهوش بود و یا گیج. من و برادرم به طرف او دویدیم. من او را بوسیدم و در آغوش گرفتم و همین امر به آشتی ما انجامید. موضوع فراموش شد. یکماه بعد مادرم بیمار گردید و پزشکان تشخیص بیماری قلبی دادند. من خودم هر ماه او را نزد پزشک می‌بردم تا معاینه شود و در واقع همیشه تحت نظر باشد. او دو سال و نیم بعد در یک زمستان سرد به علت نارسایی ریه خفه شد و مرد، ولی پدرم همیشه می‌گفت که تو او را کشتی. مادرت زنی

سالم بود و می توانست بیست سال دیگر نیز زنده باشد. من از این بابت شرمندهام و حالا که شما گفتید احساس می کنم علت همین است». معبر اظهار داشت:

«علت خوابهایی که می بینی، همین شرمندگی ضمیر ناخودآگاه تو است و ربطی به شلاق و آتش ندارد. با کشف این واقعیت دیگر از این کابوس ها نمی بینی و اگر هم بینی، محور خوابهای تو باز هم مادرت خواهد بود».

این مقدمه را نوشتم تا بدانید هر خواب یک قطب اصلی و قوی دارد؛ قطبی که همه مسائل دیگر را تحت الشعاع قرار می دهد. معبر باید محور خواب را بیابد، بعد به تعبیر بپردازد. به نوشته «فرید» عوامل تشکیل دهنده زندگی ما در خواب به صورت سمبول ها ظاهر می شوند. در یک خواب بیست ثانیه ای ممکن است خیلی چیزها وجود داشته باشد که در تعبیر بی تأثیرند و فقط یک عامل مؤثر است. وقتی خودتان هم می خواهید به کمک این کتاب خواب خویش را تعبیر کنید، باید محور و قطب خواب را بیابید و روی عوامل دیگر تکیه نکنید.

به طور کلی ما اسیر عوامل مادی زندگی هستیم. شغل، فعالیت های روزانه، معاشرت ها، گفتگوهایی که طی روز انجام می دهیم، روابط خانوادگی، پول کافی داشتن یا نداشتن، غذا خوردن و حتی نوع و طعم و مزه غذایی که خورده ایم و یا دیده ایم و نخورده ایم، همه و همه در خواب ما اثر می گذارند.

خیال نکنید وقتی خوابیدیم و ارتباط حواس پنجگانه ما با ذهن قطع گردید، از این اسارت رهایی می یابیم. به هیچ وجه اینطور نیست. وقتی شب غذای چرب و شیرین و یا زیاد شور و پر ادویه خورده اید، ممکن است در خواب، دریا، چشمه، کاریز، آبشار، سیل و مسیل ببینید. صبح که از خواب بیدار می شوید، به سراغ کتاب تعبیر می روید تا ببینید تعبیر دیدن چشمه، سیل در خواب چیست؟ این درست نیست و نتیجه ای نمی گیرید؛ چون خواب شما رؤیای صادقه نبوده، بلکه خوابی بوده ناشی از پرخوری و امتلاء معده. چنین خوابهایی به هیچ وجه تعبیر ندارند. خواب شما وقتی می تواند گویای چیزی باشد که با تعادل کامل جسمی و روحی خوابیده باشید. عکس این هم اتفاق می افتد. یعنی وقتی گرسنه باشید و با شکم گرسنه به بستر بروید و بخوابید، در خواب چلوکباب، باقلابلو با مرغ و خیلی چیزها از این دست می بینید که البته فاقد تعبیر و معنی درست هستند. پس شبهایی که از نظر جسم و روح و اعصاب در نهایت تعادل و توازن خوابیدید و خوابی دیدید، به سراغ معبر و یا خوابنامه بروید و تعبیر بخوانید.

برداشت و روابط ما با آدمها، حیوانات و همه چیزهایی که در اطرافمان یافت می شوند، متفاوتند؛ لذا در خواب ما هم تفاوت هایی به وجود می آورند. هم اکنون خوابنامه ای بنام:

Les rêves et La Destinée Interprétés

و خوابنامه دیگری موسوم به:

Vos Rêves

به زبان فرانسه مقابل من قرار دارند. این کتابها مشابه همین کتابی هستند که اینک شما در دست دارید؛ با این تفاوت که اولاً خلاصه است، ثانیاً سطحی و فاقد تحقیق، ثالثاً برای فرانسوی زبانان نوشته شده است. مؤلف متن را نوشته و یک فرویدیست ماهر نیز آنها را بازخوانی و تحشیه کرده و تعلیقاتی بر آنها نوشته است. کتابها خوانند، ولی اگر آنها را به فارسی ترجمه کنند و در دسترس خوانندگان فارسی زبان قرار دهند، نه تنها مشکلی را آسان نمی کنند، بلکه موجب سرگردانی و تشویش خاطر بیننده خواب می شود. برای روشن شدن موضوع یکی دو نمونه تقدیم می کنم.

در این کتاب مقابل کلمه خوک نوشته شده «نعمت و فراوانی» و به دنبال آن توضیحاتی هست که گویای نعمت و مبشر فراوانی و روزی می باشند. برای یک فرانسوی که در خواب خود خوک دیده، این تأویل می تواند کاملاً درست باشد؛ اما برای یک مسلمان و ایرانی به هیچ عنوان درست نیست. این مربوط می شود به برداشت ما نسبت به «خوک» و جایی که خوک در زندگی روزمره بیننده خواب احراز می کند. در خواننامه های اسلامی اهم از عربی و فارسی خوک را مردم بخیل، نمام و ساعی و همسایه ای بددهن و کج خلق تعبیر کرده اند.

باز هم در این کتابها برای دیدن گل داودی در خواب تعبیری خوش و مبارک و میمون نوشته نشده است. در مقابل گل داودی نوشته شده «غمی به شما می رسد و یا در عزای دوستی شرکت می کنید» این تعبیر برای یک فرانسوی مسیحی اعم از کاتولیک یا پروتستان درست است. اما در خواننامه های ما همه گلهای به استثنای یکی دو مورد خوب و میمون و مبارک هستند، به خصوص گل داودی که «به جهت و فرح و شادی» است و در مورد دختران و پسران جوان که در آستانه تشکیل زندگی خانوادگی قرار گرفته اند، «سردی روابط عاطفی و عشقی» تعبیر می شود. علت این است که گل داودی یک گل پاییزی است.

با توجه به توضیحات بالا قبول می کنیم که هم تعبیر خواننامه های فرانسوی درست است و هم تعبیر خواننامه های ما. این تفاوت ناشی از برداشتی است که آنها نسبت به گل داودی دارند. در فرهنگ غرب گل داودی مشخص ترین گلی است که در عزاداری ها و گورستان ها روی گور عزیزان خویش می نهند و یا به عزاداران هدیه می کنند. در این صورت دریافتیم که برداشت بیننده خواب نسبت به مسائل و کلاً اشیایی که در زندگی اطرافش را فرا گرفته، در تعبیر اثر می نهد. همین چند ماه قبل خانمی در خواب دیده بود که شوهرش یک قفس بزرگ حاوی یک طوطی سبز و قرمز برای او بعنوان هدیه به خانه آورده است. تعبیر این خواب را از من خواست.

مقدمتاً از او پرسیدم:

- اصولاً تو پرندگان را دوست می داری یا نه؟

خندید و گفت:

- راستش را بخواهید دوست ندارم، چون از پرندگان خاطره بدی برای من مانده

است. و در مقام توضیح افزود:

- پدرم قناری باز معروفی بود که همیشه پنجاه شصت جفت قناری گرانها در خانه داشت. این قناری‌ها مادرم را رنج می‌دادند، به این صورت که از اطراف قفس آنها ارزن و تخم کتان روی فرش و قالی اطاق می‌ریخت که آن زن بیچاره مجبور بود هر روز اطاق‌ها را نظافت کند. یکبار که پدرم به سفر دو هفته‌ای رفته بود، در اثر خفلیت یا سهل‌انگاری مادرم یک جفت از قناری‌های او مردند. پدرم عصبانی شد و مادرم را چنان کتک زد که استخوان ترقوه او شکست و ما چند ماه گرفتار معالجه کتف و شانه‌اش بودیم. به این علت است که من پرندگان را دوست ندارم؛ مخصوصاً پرندگان خانگی را، اما پرندگان وحشی و آزاد - مخصوصاً مرغان دریایی - را دوست دارم و گاه به تماشای آنها می‌روم و می‌نشینم و به صدایشان گوش می‌دهم.

به او گفتم:

- تعبیر خواب تو این است که طی چند روز آینده مهمانی از وابستگان شوهرت به خانه تو می‌آید. این مهمان بدزبان، پرگو و ایرادگیر است و با سخنان بی‌مورد و مکرر خویش موجب آزار روح و ناراحتی اعصاب تو می‌شود.

همین‌طور هم شد؛ چون سه روز بعد خواهر شوهرش با چهار بچه قد و نیم‌قد از یزد به تهران آمد و مهمان آنها شدند... خواهر بزرگتر از شوهرش که با آن خانم بیننده خواب هم رابطه خوبی نداشت و چندین بار با آن خانم بگومگو کرده بود.

روزی که من خواب آن خانم را تعبیر کردم، شخصی که حضور داشت، از من پرسید: - چرا سؤال کردید پرندگان را دوست داری یا نه؟ آیا دوست داشتن یا دوست نداشتن در تعبیر خوابی که دیده تفاوت ایجاد می‌کند؟

سؤال بسیار مناسب و کنجکاوانه و جالب بود. در پاسخ او گفتم:

- بله، طوطی گویای آدم پرگو و وراج و یاوه‌سرا است. آوردن قفس طوطی به خانه نشانه آمدن مهمان است و چون شوهرش آن قفس را آورده، خواب می‌گوید که مهمان نشانه آمدن مهمان است و چون شوهرش آن قفس را آورده، خواب می‌گوید که مهمان وابسته به شوهر است. اگر او پرندگان را دوست می‌داشت، نتیجه کاملاً برعکس می‌شد و مهمان خوش صحبت، سرگرم‌کننده، دوست داشتنی و مجلس‌آرا از کار در می‌آمد.

از ذکر این چند مثال می‌توانیم نتیجه بگیریم که برداشت و رابطه ما با اشیاء و اشخاص و حیوانات در تعبیر خواب اثر می‌گذارد و گاه دگرگونی بینادی به وجود می‌آورد؛ پس در تعبیر و یافتن معانی باید این نکات را نیز مورد توجه قرار دهید تا کلیدی که واقعاً قفل خواب شما را باز می‌کند، در خوابنامه موجود بیابید.

نکته مهم دیگر این است که من خیلی چیزها را حذف کرده و مواردی را نیز افزوده‌ام. حذف آن چیزها لازم بود و افزودن اینها هم ضروری. مثلاً در خوابنامه‌های سستی همه جا «آهو» را کنیز تعبیر کرده‌اند. کنیزی که از بازار برده‌فروشان می‌خریدند و یا هدیه می‌کردند. نوشیدن شیر آهو را در خواب آوردن فرزند از کنیز تعبیر کرده‌اند، ولی من این نوع مطالب را در این خوابنامه حذف کرده‌ام؛ زیرا در دنیای امروز برده‌داری مطرح نیست و در هیچ بازاری برده را نمی‌فروشند که کسی بتواند کنیزی بخرد و از آن کنیز

صاحب فرزند شود.

از همین نوع هستند کجاوه، ارخلق، چاوش و خیلی چیزهای دیگر از این دست که جوان‌ها و شاید خیلی از مردم نمی‌شناسند و حتی معانی آنها را هم نمی‌دانند. در این کتاب اینها یا حذف شده و یا به خلاصه اشاراتی رفته؛ در عوض تلفن، تلویزیون، رادیو، سینما، اتومبیل، کامیون و کابین تلفن و بسیاری چیزها، از این نوع افزوده گردیده که امیدوارم جمعا مورد پسند و استفاده شما قرار بگیرند.

اما در مورد ساعت و زمان خواب‌ها قبلا عرض کردم که هر نوع خوابی تعبیر ندارد. بسیاری از خوابهای ما تحت شرایطی قرار می‌گیرند که فاقد ارزش و اعتبار می‌شوند. به این چنین خوابها نباید خوشدل باشیم و نه از آنها بیم و هراسی به دل راه دهیم و گرفتار تشویق و نگرانی شویم.

وقتی خوابی می‌بینید و بیدار می‌شوید، به ساعت مراجعه کنید و ساعت دقیق دیدن خواب را یادداشت کنید؛ زیرا معبر با دانستن ساعت خواب دقیق‌تر می‌تواند خواب شما را بشکافد و تعبیر کند. به طور کلی از لحظه‌ای که می‌خوابید تا نیمه شب خوابی که می‌بینید کمتر دارای اعتبار است. چون در این ساعات هنوز جسم و روح ما زیر تأثیر کار روزانه و فعالیت‌ها و گفتگوهای انجام شده و غذایی که خورده‌ایم، قرار دارد. از نیمه شب تا طلوع سپیده بامدادی خواب معتبر می‌شود و اعتبار آن به تناسب هر چه از نیمه شب دور و به سحرگاه نزدیک می‌شویم، افزایش می‌یابد.

صادق‌ترین رؤیاها خوابی است که سحرگاهان می‌بینیم، به طوری که چرت بیدار می‌شویم؛ وقت اقامه نماز صبح شده باشد. خواب روز به هیچ عنوان تعبیر ندارد. هستند کسانی که بعد از ظهرها می‌خوابند و یا پیش از غذای نیمروز قیلوله می‌کنند. در این مواقع نیز اگر خوابی ببینید، تعبیر ندارد.

در ماههای قمری نیز سه شب نیمه ماه که قمر بدر کامل دارد، خواب بیشتر از سه شب محاق می‌تواند ارزشمند باشد. خوابهایی که زمینه گفتگوهای بیداریمان در آن وجود داشته باشد، معتبر نیستند. برای مثال شب هنگام با افراد خانواده درباره زلزله صحبت می‌کنید. وقتی می‌خوابید، خواب می‌بینید که سقف اتاق محل کارتان فرود آمده و چندتن از همکاران شغلی شما را کشته. این چنین خوابی نباید نگرانی ایجاد کند، چون آشکار است که گفتگوهای پیش از خواب موجب آن بوده.

برای خوابهایی که به طور مکرر می‌بینید، اهمیت و اعتبار قائل باشید؛ زیرا این تأکیدی است که روح شما می‌خواهد از چیزی یا حادثه‌ای خبر بدهد. خوابی که فراموش می‌کنید، نیز معتبر نیست. مثلا خواب وحشتناکی می‌بینید که از شدت ترس فریاد می‌کشید و همسرتان یا کسی دیگر شما را بیدار می‌کند. مجدداً می‌خوابید. صبح از شما می‌پرسند چه خواب دیده بودید که فریاد کشیدید و دیگران را هم بیدار کردید؟ شما هر چه به مغزتان فشار می‌آورید، خواب را به خاطر نمی‌آورید. فقط می‌دانید که خیلی ترسناک بوده. این نوع خوابها، بی‌ارزش بوده و تعبیر ندارند و نباید موجب نگرانی بشوند.

خوابهای موسمی نیز بی ارزش هستند. مثلاً در زمستان برف و یخ در خواب دیدن و در بهار مشاهده درختان پر شکوفه و گل، در پاییز برگریزان و در فصل زمستان و گرما در آب دریا شنا کردن. این نوع خوابها تعبیر ندارند، ولی چنانچه در تابستان مشاهده کردید، برف می بارد و در سرمای سخت زمستان درختان خانه را از شکوفه های سفید و صورتی پوشیده دیدید، صبح به سراغ خوابنامه بروید. خوابهای طولانی بیشتر از خوابهای لحظه ای و تک چهره ای اعتبار دارند؛ مگر اینکه تک چهره ها را مکرر ببینید.

اینها هستند نکاتی که باید در نظر داشته باشید. اگر خواب خود را با توجه به این مسائل بررسی کنید، به تعبیر مطمئن تر و دقیق تری دسترسی می یابید.

من مدعی این نیستم که خوابنامه ای کامل تقدیم داشته ام؛ اما آنچه که در دست دارید، حاصل تلاش و کوشش چندین ساله من است و چیزی است و رای خوابنامه های سستی؛ زیرا که به کار مردم و زندگی امروز آنها می آید.

در خاتمه آرزو دارم آنچه که می خواهید، در این خوابنامه بیابید و اگر خوابی دیدید و تعبیرش را یافتید و با رضایت کامل کتاب را بستید، مرا دعا کنید و در صورتی که مرده بودم، از خداوند برایم طلب مغفرت فرمایید و فاتحه ای بخوانید. شادکام باشید.

والسلام علیکم ورحمه اله وبرکاته.

منوچهر مطیعی تهرانی